

باسمه تعالی

Contents

۱.....	نذر بر خواندن نافله مطلقه یا موقت
۲.....	وجه فتوای سید بر وجوب صبر تا هنگام وجدان آب
۲.....	وجه اول: انصراف
۳.....	وجه دوم: تعلق نذر به طبیعی نماز
۳.....	کلام محقق خویی
۴.....	جواز خواندن نماز با تیمم و عدم اجزاء آن در کلام محقق خویی
۴.....	اختصاص روایات به نمازهای یومیّه در کلام محقق خویی
۵.....	مختار استاد: اجزاء نماز با تیمم
۵.....	بیان سه ادعا از جانب استاد
۷.....	لزوم اجیر گرفتن شخص قادر بر طهارت مائیه
۷.....	بیان سه فرض در مسئله

موضوع: نذر نافله مطلقه و مقیده / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه گذشته مسئله ۲۷ بررسی شد که بحث اجتماع جنب و میت و محدث به حدث اصغر بود. استاد در نهایت اولی را استفاده ی جنب از آب دانستند.

بسم الله الرحمن الرحيم

نذر بر خواندن نافله مطلقه یا موقت

«مسألة ۲۸: إذا نذر نافله مطلقه أو موقتة في زمان معين و لم يتمكن من الوضوء في ذلك الزمان تیمم بدلا عنه و صلی و أما إذا نذر مطلقا لا مقیدا بزمان معين فالظاهر وجوب الصبر إلى زمان إمكان الوضوء»^۱.

مرحوم سید دو فرع در این مسئله بیان می کنند:

۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

فرع اول: شخصی نذر کرده است که در شب جمعه پیش رو نماز مستحب بخواند یا اینکه نماز شب را که موقته است را به جا آورد. شب جمعه می آید و شخص تمکن از آب ندارد. در این صورت واضح است که بدل از وضو تیمم می کند و نماز خود را می خواند. نماز خواندن او به واسطه ی نذر بر او واجب شده بود، حال که تمکن از آب ندارد نوبت به تیمم می رسد.

فرع دوم: به صورت مطلق نذر کرده است که در یکی از جمعه های سال نماز جعفر بخواند. نماز خواندن خود را مقید به زمان معینی نکرده است و این معنای مطلق است. حال این هفته جمعه که می رسد تمکن از آب ندارد، آیا می تواند با تیمم در همین جمعه نماز جعفر را بخواند و به نذر خود عمل کرده باشد؟

« فالظاهر وجوب الصبر إلى زمان إمكان الوضوء »!

سید حکم به وجوب صبر تا هنگام وجدان آب را مطرح کرده اند.

وجه فتوای سید بر وجوب صبر تا هنگام وجدان آب

دو وجه می توان برای این فتوا ذکر کرد:

وجه اول: انصراف

وجه اول: نذر انصراف به نماز با طهارت واقعیه دارد. اگر تمکن دارد که نماز خود را با طهارت مائیه به جا آورد، وجوب نذر انصراف به آن دارد. اگر قبل از آن بخواند گناه نکرده است، لکن وفای به نذر نمی شود. به نظر ما وجه کلام سید همین وجه باشد؛ زیرا ایشان در نماز قضا که آن نیز مانند نماز نذر وقت وسیع دارد، جواز خواندن نماز با تیمم را مطرح کرده است، معلوم می شود وجهی که در ذهن ایشان است همین انصراف در ادله ی نذر می باشد.

مناقشه این وجه این است که ممکن است انصراف نداشته باشد، کسی که نذر خواندن نماز جعفر طیار در یک روز جمعه می کند، ارتکازش این است که نماز با طهارت بخواند، اگر آب باشد، وضو وظیفه ی اوست، اگر آن وقت که می خواهد نماز بخواند، آب نباشد تیمم می کند. مهم این بود که یک نماز صحیح با طهارت بخواند، اینکه حتما طهارت مائیه باشد دلیل ندارد. در جایی که کسی را برای نماز خواندن اجیر می کنند نیز لازم نیست که طهارت با آب باشد. انصراف بعید است. در ذهن ما این است که این وجه اول که اقرب به ذهن سید است ناتمام است.

۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

وجه دوم: تعلق نذر به طبیعی نماز

محقق خویی این وجه را برای فتوای سید مطرح می کنند^۱:

کسی که نذر نماز کرده است، طبیعی نماز را نذر کرده است و این شخص نسبت به طبیعی نماز فاقد آب نیست بلکه نسبت به فرد امروز فاقد الماء است. چیزی که مکلف نذر کرده است طبیعی نماز است و طبیعی نماز را قادر است که با آب در یک زمان دیگر به جا آورد. بنابراین نمی تواند برای نمازی که نذر کرده است، تیمم کند.

کلام محقق خویی

البته ایشان در تعلیقه فرموده است: بلی، به شرطی که تیمم را با مسوغ دیگری به جا آورد، می تواند نماز را همین هفته با تیمم بخواند. مثلاً تیمم می کند که نماز ظهر و عصرش را به جا آورد، متطهر می شود. بعد از اینکه متطهر شد دیگر تیمم آن نماز نیاز به ادله ندارد تا بگوییم که فاقد الماء نیست. نسبت به غایت دیگری تیمم کرده و متطهر شده است، از این رو می تواند با همان تیمم هر نمازی را بخواند تا زمانی که محدث به حدث نشده باشد. لذا با همان تیمم نماز را می تواند بخواند و به نذر خود نیز عمل کرده است.

ایشان در تعلیقه اینطور گفته اند:

«بمعنی آنکه لا يجوز التيمم لتلك النافلة؛ و أما إذا كان متيمماً في نفسه فلا يبعد جواز الإتيان بها وإن كان التأخير أحوط»^۲.

ولی در متن بیان دیگری دارند. ایشان در متن گفته است که این شخص با همین تیممی که برای نماز ظهر و عصر کرده است نیز نمی تواند نماز مندور را بخواند؛ زیرا در باب ضیق وقت هم گذشت که تیمم که طهارت می دانیم آن را بالاضافه قبول داریم و امر اضافی می دانیم. تیمم طهارت نسبت به نماز است. لذا اگر جنب به خاطر ضیق وقت تیمم کند، نمی تواند داخل در مسجد شود، زیرا تیمم در ضیق وقت طهارت بالاضافه به صلاه است. اما اگر به دلیل مرض تیمم کرده بود، می تواند داخل در مسجد نیز بشود. در محل بحث ما نیز این تیممی که می کند طهارت به نسبت به نماز ظهر و عصر است؛ زیرا نسبت به نماز ظهرین فاقد الماء است، اما نسبت به مندور که نماز جعفر بود فاقد الماء نیست؛ لذا نمی تواند با آن تیمم نماز جعفر را بخواند. این کلام را ایشان در مرحله ی سابق گفته است و بعد در تعلیقه عدول کرده است.

۱ موسوعة الامام الخوئي، السيد أبو القاسم الخوئي، ج ۱۰، ص ۴۱۸.

۲ العروة الوثقى (المحشى)، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۲، ص ۲۳۴.

ایشان در تنقیح می گوید طهارت تیمم بالاضافه به عملی است که فاقد الماء باشد، اینجا نسبت به ظهیرین فاقد الماء بود ولی نسبت به نماز جعفر که طبیعی آن مندور واقع شده بود، فاقد الماء نیست.

جواز خواندن نماز با تیمم و عدم اجزاء آن در کلام محقق خویی

محقق خویی می فرماید: اگر احتمال می دهد که عذر او تا آخر عمر می ماند، یا اینکه احتمال می دهد که تا آخر امسال بماند و شک دارد که برطرف می شود یا خیر استصحاب جاری می کند، یا مثلاً اطمینان دارد که تا آخر نمی تواند وضو بگیرد، بدار جایز است و می تواند نماز جعفر را بخواند، لکن نکته ی مهم این است که مجزی نیست. یعنی اگر بعداً واجد الماء شد، باید نماز مندور را به جا آورد.

اختصاص روایات به نماز های یومیه در کلام محقق خویی

ایشان می فرماید: کسی نگوید که روایات داشتیم که اگر کسی نماز با تیمم خواند و بعد آب پیدا کرد اعاده نکند، زیرا در جواب گفته می شود: آن روایات منحصر در نماز های یومیه است. این روایات نماز مندوره را شامل نمی شود. روایات باب ۱۴ بود: «بَابُ عَدَمِ وَجُوبِ إِعَادَةِ الصَّلَاةِ الْوَاقِعَةِ بِالتَّيْمُمِ إِلَّا أَنْ يَقْصَرَ فِي طَلَبِ الْمَاءِ فَتَجِبُ أَوْ يَجِدَهُ فِي الْوَقْتِ فَتُسْتَحَبُّ» روایت بدین شکل وارد شده بود:

« مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ إِذَا أَجْنَبَ - وَلَمْ يَجِدِ الْمَاءَ قَالَ يَتَيَمَّمُ بِالصَّعِيدِ - فَإِذَا وَجَدَ الْمَاءَ فَلْيَغْتَسِلْ وَلَا يُعِيدُ الصَّلَاةَ »^۱.

روایات متواتر در آن بحث متواتر بود که ایشان این روایات را منحصر در نماز های یومیه می داند. در برخی از آن ها بحث خوف از فوت وقت ذکر شده بود؛ مانند این روایت :

« مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: إِذَا لَمْ يَجِدِ الْمُسَافِرُ الْمَاءَ فَلْيَطْلُبْ مَا دَامَ فِي الْوَقْتِ - فَإِذَا خَافَ أَنْ يَفُوتَهُ الْوَقْتُ - فَلْيَتَيَمَّمْ وَلْيُصَلِّ فِي آخِرِ الْوَقْتِ - فَإِذَا وَجَدَ الْمَاءَ فَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ وَلْيَتَوَضَّعْ لِمَا يَسْتَقْبِلُ »^۲.

۱ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۶۶، أبواب بَابُ عَدَمِ وَجُوبِ إِعَادَةِ الصَّلَاةِ الْوَاقِعَةِ بِالتَّيْمُمِ إِلَّا أَنْ يَقْصَرَ فِي طَلَبِ الْمَاءِ فَتَجِبُ أَوْ يَجِدَهُ فِي الْوَقْتِ فَتُسْتَحَبُّ، باب ۱۴.

ح ۱، ط آل البيت.

۲ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۶۶، أبواب بَابُ عَدَمِ وَجُوبِ إِعَادَةِ الصَّلَاةِ الْوَاقِعَةِ بِالتَّيْمُمِ إِلَّا أَنْ يَقْصَرَ فِي طَلَبِ الْمَاءِ فَتَجِبُ أَوْ يَجِدَهُ فِي الْوَقْتِ فَتُسْتَحَبُّ، باب ۱۴.

ح ۳، ط آل البيت.

اکثر آن روایات داستان وقت را آورده اند که مراد همان نماز های یومیه می باشد. نماز های یومیه را اگر مایوس از وجدان آب باشد و بخواند و بعد وجدان الماء حاصل شود دیگر اعاده لازم نیست. لذا ایشان فرموده است که این روایات شامل محل بحث نمی شود.

حاصل کلام این که متن تنقیح (برخلاف تعلیقه) همانی است که سید فرموده است که شخص باید برای طهارت مائیه صبر کند. البته لزوم صبر به معنای این است که اگر با تیمم بخواند مجزی نیست. محقق خویی هم در متن تنقیح همین عدم اجزاء را مطرح کرده است گرچه بدار هم جایز باشد؛ مگر اینکه کسی بگوید امر ظاهری به دلیل حجیت عقلیه و عقلایی مجزی است که ما قبول نداریم و احکام ظاهریه را مجزی نمی دانیم و حجج عقلاییه را خیالیه می دانیم.

مختار استاد: اجزاء نماز با تیمم

به نظر ما نماز با این تیمم مشکلی ندارد؛ ادله ی جواز بدار در نظر ما اطلاق دارد؛ شامل نماز های یومیه و غیر یومیه می شود. ﴿اِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ﴾ فرقی نمی کند که نماز مستحب یا واجب باشد، اگر آب بود وضو واجب است و اگر آب نبود تیمم صحیح است. اطلاقات ادله ی تیمم و بدلیت آن از وضو اطلاق دارد، همانطور که محقق حکیم نیز اشاره کرده است.^۱ سید در نماز قضائ قبول کردند که اطلاقات می گیرد، به نظر ما نماز های مندوره را نیز شامل است. سید در نماز قضا می گفت مگر اینکه به زودی امید به وجدان آب داشته باشد که در این صورت اطلاق گیری نمی توان کرد؛ زیرا انصراف دارد. ما می گوئیم در نذر هم همینطور است.

بیان سه ادعا از جانب استاد

ما سه ادعا داریم:

اولا: اطلاقات شامل این مقام نیز می شود. اینکه محقق فرمودند که نسبت به طبیعی باید فاقد باشیم، گفتیم که طبیعی وقت قیام ملاک است، نه طبیعی به نحو مطلق که عرفی نیست. الان من به طبیعت نماز فاقد الماء هستم. حین قیام فاقد هستم و همین برای جواز تیمم کافی است. ادله ی بدلیت اطلاق دارد. سید هم باید قبول می کرد؛ زیرا ایشان در نماز های قضاء قبول کرده است. فرقی از این جهت بین نماز های یومیه و نماز های مندوره نیست.

۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۸۷.

ثانیا: فرمایشی که محقق خویی در تعلیقه فرموده اند صحیح است. اینکه ما برای عملی مسوغ داشته باشیم؛ خود به معنای طهارت است و برای عبادات دیگر مثل نذر هم صحیح می باشد. اینکه محقق خویی طهارت اضافی و نسبی را مطرح می کنند قابل قبول نیست. خصوصا اینکه روایاتی را ضمیمه کنیم که تیمم باقی است و ادامه دارد:

« مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يُصَلِّي الرَّجُلُ بِتَيْمَمٍ وَاحِدٍ - صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا فَقَالَ نَعَمْ - مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصِبْ مَاءً^۱ »

ثالثا: اگر این شخص آمد و مایوس از وجدان آب بود؛ یا اینکه شک داشت و استصحاب کرد بدار جایز است. ولی ایشان ادعا کرد که اگر آب پیدا شد باید اعاده کند، این کلام نیز به نظر ما صحیح نیست. درست است که بیشتر روایات عدم اعاده، برای نماز های یومیه است، ولی برخی از آن روایات که در عدم اعاده رسیده است اطلاق دارد. ظاهرش این است که هر نمازی را شما با تیمم بخوانید مجزی است. فرقی نمی کند که نماز یومیه باشد یا غیر یومیه باشد. همان باب ۱۴ صحیح محمد بن مسلم اینگونه آمده است که:

« وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَجَنَّبَ - فَتَيْمَمَ بِالصَّعِيدِ وَ صَلَّى ثُمَّ وَجَدَ الْمَاءَ قَالَ لَا يُعِيدُ - إِنَّ رَبَّ الْمَاءِ رَبُّ الصَّعِيدِ فَقَدْ فَعَلَ أَحَدَ الطَّهْرَيْنِ^۲ »

این جملات با اختصاص به نماز های یومیه سازگاری ندارد. این ها تعلیل است. لذا می فرماید نباید نگران بود. آنچه در شریعت واجب است نماز با طهارت است. اگر آب بود طهارت در وضو محقق است و اگر آب نباشد در تیمم محقق خواهد بود. محقق حکیم روایات بدار را همین روایات باب ۱۴ می داند^۳. به نظر ما بسیاری از آن ها درست است که اطلاق ندارد ولی برخی نیز اطلاق دارد. حداقلش این است که در جایی که احتمال بدهد و استصحاب کند یا قدر متیقن در جایی که مایوس از خوب شدن باشد، در صورت تیمم و عمل به نذر، اعاده ی نماز لازم نیست. ادعای ما این است که روایات اطلاق دارد؛ لذا این کلام سید را قبول نداریم. ظاهر این است که صبر لازم نیست. خصوصا با تیممی که مسوغ دیگری نیز داشته باشد که در آنجا مسئله واضح تر است.

۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۷۹، أبواب بابُ جَوَازِ إِقَاعِ صَلَوَاتٍ كَثِيرَةٍ بِتَيْمَمٍ وَاحِدٍ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُجِدِ الْمَاءَ، باب ۲۰، ح ۱، ط آل البيت.

۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۷۰، أبواب بابُ عَدَمِ وَجُوبِ إِعَادَةِ الصَّلَاةِ الْوَاقِعَةِ بِالتَّيْمَمِ إِلَّا أَنْ يُقْصَرَ فِي طَلَبِ الْمَاءِ، باب ۱۴، ح ۱۶، ط آل البيت.

۳ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۸۷.

لزوم اجیر گرفتن شخص قادر بر طهارت مائیه

مسئله ۲۹ «مسألة لا يجوز الاستیجار لصلاة الميت ممن وظيفته التيمم مع وجود من يقدر على الوضوء بل لو استأجر من كان قادرا ثم عجز عنه يشكل جواز الإتيان بالعمل المستأجر عليه مع التيمم فعلیه التأخير إلى التمكن مع سعة الوقت بل مع ضيقه أيضا يشكل كفايته فلا يترك مراعاة الاحتياط»^۱.

شخصی که نمی تواند وضو و غسل کند آیا می توانیم او را برای نماز استیجاری اموات اجیر کنیم؟ سید می فرماید تا وقتی که کسی وجود داشته باشد که قادر بر غسل و وضو باشد، اجیر کردن او جایز نیست. اما در جایی که شخص قادر نباشد چاره ای نیست و اجیر کردن وی درست است. ایشان فرموده است که حتی اگر عذر او هم عذر متجدد باشد باز هم در اجیر گرفتن او اشکال است. احوط این است که اجاره را فسخ کند و پول را پس بدهد.

بیان سه فرض در مسئله

در رابطه با نماز میت سه حالت متصور است:

۱. ولد اکبر میت می خواهد نماز قضای او را بخواند. محل بحث است. بسیاری از علما قائل اند نماز میتی که به دلیل عذر از او فوت شده است و بعد هم فرصت قضاء داشته است، باید ولد اکبر قضای نماز را بخواند. قسمی که مربوط به ولد اکبر می شود، بحثی نداریم در اینکه «**یقضی ولد اکبر**» اطلاق دارد و حتی ولد اکبر اگر قدرت بر طهارت مائیه نداشته باشد نیز مشمول حکم وجوب قضاء نماز خواهد شد. اینکه «**یقضی ولد اکبر**» را به معنای اینکه حتما باید طهارت مائیه داشته باشد بدانیم، بعید است. البته شبهه اش موجود است که نمازی که از میت فوت شده است طبیعی نماز است و باید صبر کند تا با طهارت مائیه به جا آورد، ولی اطلاق روایات یقضی ولد اکبر دفع شبهه می کند.

بنابراین محل بحث سید این فرض نیست.

۲. میت وصیت کرده است که از جانب او چند سال نماز بگذارند. در این جا شبهه ای است که وصیت انصراف به نماز متعارف دارد. نماز متعارف نماز با طهارت مائیه است ولو عمده اش چنین باشد انصراف دارد و نماز که همه اش با طهارت ترابیه باشد را نمی گیرد. البته کسی که از یک سال نماز دو سه روز را با طهارت ترابیه بخواند اشکال ندارد ولی اگر کسی بخواند تمام یا غالب نماز ها را با طهارت ترابیه بخواند، همانطور که محقق حکیم نیز فرموده است، مشکل است. این فرض نیز محل بحث سید یزدی رحمه الله نیست.

^۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

۳. کسی به صورت استیجاری نماز را به جا آورد که مراد سید هم همین است. آیا شخص می تواند کسی را اجیر کند که تمام نماز هایش را با تیمم به جا آورد؟ یعنی مالی که به اجیر داده می شود، پول شخصی اولاد است و از وصیت میت نیست، آیا در صورتی که شخص قادر بر طهارت مایئه پیدا می شود، می توان به شخص دیگری داد؟ این فرض است که محل کلام است. ملاحظه شود انشاء الله در جلسه ی بعد به آن می پردازیم.